

«زن و مطالعات خانواده»

سال دوازدهم - شماره چهل و هشتم - تابستان ۱۳۹۹

ص ص: ۴۱-۵۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۹

تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری بر کارکرد خانوادگی زنان دارای تعارض زناشویی

سمیه ابوالقاسمی

عباس ابوالقاسمی

چکیده

کارکرد خانوادگی مناسب با سلامت روان شناختی همبسته است لذا بهبود این توانایی می‌تواند مسیری به سمت هدف داشتن یک زندگی بهینه باشد. در همین راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری بر کارکرد خانوادگی زنان دارای تعارض زناشویی بود. بدین منظور یک طرح نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون پس‌آزمون و پیگیری با گروه آزمایش و کنترل اجرا گردید. جامعه آماری شامل کلیه زنان دارای تعارض زناشویی شهرستان نجف‌آباد بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۴ نفر از زنان دارای تعارض زناشویی، انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۲ نفر) قرار گرفتند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه کارکرد خانوادگی مک مستر (۱۹۸۳) و پرسشنامه تعارض زناشویی بود. گروه آزمایش ده جلسه مداخله دریافت کردند. آزمودنی‌های هر دو گروه قبل از شروع آموزش و در پایان آموزش به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که آموزش حل مسئله و تصمیم‌گیری، به‌صورت معنادار بر بهبود کارکرد خانوادگی زنان دارای تعارض زناشویی گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل مؤثر بوده است. در مجموع مشخص شد که آموزش مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری می‌تواند به‌عنوان روشی مؤثر در بهبود کارکرد خانوادگی زنان دارای تعارض زناشویی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: آموزش مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری، کارکرد خانوادگی، تعارض زناشویی

مقدمه

همه انسان‌ها از نافذترین جاذبه‌های حیات بهره‌مند هستند. بهترین بستر تحقق این جاذبه‌ها، از طریق ارتباط مؤثر و سازنده با همسر بوده که سنگ زیربنایی خانواده سالم و موفق است. (گیدنز، ۲۰۱۲) اما گاه تفاوت‌های فردی، تحولات و نوع نگرش افراد به زندگی این ارتباط را دچار بحران می‌کند و تعارضات زناشویی به وجود می‌آید، بعضی محققان معتقدند که تعارض زناشویی، تعاملی است بین زوج‌هایی که علایق، دیدگاه‌ها و باورهای متضادی دارند (استرانگ و همکاران، ۲۰۱۱) اما از دیدگاه برخی دیگر تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش اغناء آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرح‌واره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است و هنگامی رخ می‌دهد که چیزی رضایت را برای شخصی فراهم کرده، درحالی‌که همان چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال داشته است. درواقع، این محققان تعارض را ناشی از هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه و منابع قدرت در بین زوج‌ها می‌دانند (بیردیت و همکاران، ۲۰۱۰).

پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حوزه حاکی از آن است که توانایی زوجین برای مدیریت و حل تعارض‌های خود به شکل سازنده، می‌تواند یک ارتباط قوی را در رابطه‌ی زناشویی شکل دهد و آن‌ها را برای ایجاد یک رابطه صمیمی و نزدیک، کمک کند (ساموهانو^۴، ۲۰۱۳؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین در صورتی‌که از تعارض به وجود آمده به‌خوبی و فعالانه بهره‌برداری گردد، می‌توان از آن به‌عنوان عرصه‌ای برای تمرین کنترل هیجانی، افزایش قدرت تحمل و مهارت‌های ارتباطی و مهارت گوش دادن فعال استفاده کرد، همچنین به ایجاد نظرات مختلف، انعطاف‌پذیری شناختی و پویایی‌های شناختی پرداخت، در ارزیابی نظام قدرت، مرزبندی و ساختار ارتباطی بهره برد و برای ایجاد یک فضای مشارکت بین فردی و روش‌های حل مسئله خلاقانه استفاده کرد، همچنین برای آموزش دیدگاه‌ها و همدلی عاطفی و شناختی و درک انتظارات شخص مقابل و سایر اعضای خانواده از آن بهره‌مند گشت (بوبات^۵، ۲۰۱۱؛ جورج، اریکسون و پارهانگانگاس^۶، ۲۰۱۶؛ پجاجفر^۷ و همکاران، ۲۰۱۷؛ نظری و همکاران، ۱۳۹۸). این روش‌های سازنده، باعث تسهیل صمیمیت می‌شود درحالی‌که راه‌های مخرب مقابله با تعارض، ممکن است اختلال و اضطراب را در رابطه‌ی زوجین تشدید کند (دیلدار^۸ و همکاران، ۲۰۱۳). مطالعات مختلف نشان می‌دهد که

1. Giddens
2. Strong & et al
۳. Birditt, K. S. Brown, E. Orbuch, T. L. & McIlvane, J. M
7. somohano
8. Bobot
6. George, Erikson, Parhankangas
7. Pfajfar
۸. Dildar

تعارض زناشویی با متغیرهایی همچون طلاق، اختلال روانی در فرزندان و فشار روانی و هیجانی در زوجین رابطه مستقیم (ژیلیوسکی^۱، ۲۰۱۲؛ ریجیو و والنزولا^۲؛ ۲۰۱۱، بلادجت و همکاران^۳، ۲۰۱۱؛ لوکاس تامپسون^۴، ۲۰۱۲) و با متغیرهایی همچون سازگاری روانی فرزندان و امنیت عاطفی و رفتارهای جامعه پسند فرزندان رابطه عکس دارد. (اوه، لی و پارک^۵، ۲۰۱۱؛ مک کوی و همکاران^۶، ۲۰۰۹). با توجه به تحقیقات انجام‌شده در سطح اجتماعی نیز، آثار و پیامدهای تعارضات شدید می‌تواند بحران‌ساز گردد که عمدتاً به دلیل ورود افراد افسرده، منزوی و پرخاشگر به جامعه هست. در جامعه ما برخی از مسائلی که در یک دهه اخیر افزایش پیدا کرده است مانند ازدیاد دختران فراری، افزایش بزهکاری و زنان خیابانی، افزایش میزان طلاق، اعمال خشونت علیه زنان و نظایر آن، حاکی از افزایش میزان تعارضات خانوادگی است (منصوریان و فخرایی، ۱۳۸۷؛ خان محمدی مجندهی، ۱۳۹۹). این بحران چنان افسارگسیخته رو به تزايد است که می‌توان آن را به‌وضوح در گسست خانوادگی زوجین منتج به طلاق از انواع عاطفی تا طلاق قطعی مشاهده کرد که طبق نظر کارشناسان مربوطه در حال حاضر بیش از ۷۵ درصد خانواده‌ها دچار طلاق عاطفی بوده (مؤمنی و آزادی فرد، ۱۳۹۵) که به دلیل عدم امکان آمارگیری رسمی نمی‌توان به آمار دقیق آن دست‌یافت مگر آن تعدادی که به دادگاه‌ها جهت طلاق قطعی مراجعه می‌کنند، به‌نحوی که طبق آماري که ثبت‌احوال در سایت رسمی خود در سال ۹۸ منتشر کرده است، نسبت ازدواج به طلاق که در سال ۹۲، ۵ بوده است؛ یعنی از هر ۵ ازدواج یکی به طلاق منجر می‌شده، در سال ۹۷ به ۳/۲ رسیده است. این آمار بدین معناست که در سال ۹۷ در سطح کشور از هر ۳ ازدواج یکی به طلاق منجر شده است و این امر عملاً ازدواج را با چالشی بزرگ روبرو کرده که گویی خود عاملی برای تخریب روحی زوجین و هر چه پس رفت فردی و اجتماعی آن‌ها شده است.

در همین راستا و با توجه به این‌که خانواده، واحدی عاطفی و اجتماعی است که کانون رشد و التیام و تغییر و تحول بوده و همچنین عامل همبستگی و شرط تعادل اجتماعی و رکن اصلی جامعه است که در هر نسلی کارکرد دارد و معمولاً این کارکرد در الگوهای تعاملاتی اعضایش تجلی می‌کند و با توجه به این‌که ملاک کارایی خانواده این نیست که در آن فشار روانی، تعارض و مشکل وجود نداشته باشد، بلکه این است که خانواده تا چه اندازه در تحقق وظایف و کارکردهایش توانایی دارد؛ بنابراین ناکارآمدی و آسیب خانواده در انجام وظایف و کارکردهایش، به آسیب زوجین می‌انجامد (عبادت‌پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ نازک

-
1. Zhylyevskyy
 2. Riggio & Valenzuela
 3. Blodgett & et al
 4. Lucas & Thompson
 5. Oh, Lee & Park
 6. McCoy & et al

تبار و همکاران، ۱۳۹۸). مطالعه‌ی (اپستین، بالدوین و بیشاپ^۱، ۱۹۸۳) نشان داده است که کارایی خانواده بیشتر به ویژگی‌های نظام خانواده، شیوه‌های سیستمی و الگوهای تبادلی بین اعضاء آن مربوط است و نه به ویژگی‌های درون روانی یکایک اعضاء خانواده. طبق بررسی‌های موجود، اغلب مشکلات زناشویی از اخلاق و ضعف در کارکردهای خانوادگی ناشی می‌شود و حل مسئله از جمله مهارت‌های سازنده‌ای است که می‌تواند مشکلات کارکردی همسران را کاهش دهد (لایدرا^۲، ۲۰۰۹).

حل مسئله به فرآیند شناختی رفتاری ابتکاری فرد اطلاق می‌شود که به وسیله آن فرد می‌تواند راهبردهای مؤثر سازگارانه مقابله‌ای برای مسائل، تنیدگی‌ها و پیچیدگی‌های ارتباطی و بین فردی روزمره را ابداع کند. همچنین حل مسئله یک راهبرد مقابله‌ای مهم است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش و تنیدگی و مشکلات روانی را کاهش می‌دهد (لی و چی^۳، ۲۰۱۶؛ اوپالچ^۴ و همکاران، ۲۰۱۶؛ ژانگ، پارک، سالیوان و جینگ^۵، ۲۰۱۸). پژوهش‌ها نشان داده‌اند کسانی که مغلوب مشکلات می‌شوند از مهارت‌های حل مسئله اندکی برخوردار بوده که منجر به بروز رفتارهای غیر انطباقی می‌شود؛ بنابراین با توجه به تغییرات و پیچیدگی روزافزون جامعه و گسترش روابط اجتماعی، آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی از جمله مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری، برای آماده‌سازی افراد جهت رویارویی با دیگران و موقعیت‌های دشوار، امری ضروری به نظر می‌رسد (مهرایی زاده و همکاران ۱۳۸۹؛ ورمقانی و همکاران ۱۳۹۸؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۹). بدون شک اگر زوجین در روش‌های ارتباطی از جمله حل مسئله و تصمیم‌گیری، مهارت داشته باشند، می‌توانند بسیاری از مسائل و مشکلات زندگی خود را حل کرده، روابط صمیمانه موفق داشته باشند و از زندگی لذت بیشتری ببرند. در همین راستا مطالعات متعدد انجام گرفته توسط پژوهشگران، نشان داده است که با آموزش حل مسئله می‌توان در بهبود کارکرد خانوادگی، بهبود روابط بین زوجین، بهبود سبک فرزندپروری و کیفیت ارتباط‌های بین فردی درون خانواده و همچنین کاهش علائم روان‌شناختی و روان رنجوری، تعدیل شیوع خشونت خانگی و در نتیجه افزایش سازگاری و رضایت زناشویی تأثیر معناداری یافت. (حسینی و حیات پور، ۱۳۹۴؛ کارگر و اصغری ابراهیم‌آباد، ۱۳۹۴؛ شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۹۵؛

۱. Epstein, N. B. Baldwin. L. M. & Bishop

۲. Layder

3. Lee, Chee

4. Opalach

5. Zhang, Park, Sullivan, Jing

موسوی، ۱۳۹۶؛ احسان خواه و حیدریان، ۱۳۹۸؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۸؛ رضانی فر و همکاران، ۱۳۹۸؛ وسزیدلو و سگرین^۱، ۲۰۱۳؛ ساهین و آدانا^۲، ۲۰۱۶؛ آلبرت^۳ و همکاران، ۲۰۱۶؛ تامسون و سنتیفانتی^۴، ۲۰۱۸)

با توجه به مطالب فوق و اهمیتی که مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر کارکرد بهینه خانواده و کاهش اختلالات روان‌شناختی در فضای خانواده دارد و همچنین نبود مطالعات غنی درباره مکانیزم اثر مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری بر کاهش تعارضات زناشویی، در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری بر بهبود کارکرد خانوادگی زنان دارای تعارض زناشویی پرداخته شد.

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل (گواه) بود.

آزمودنی‌ها: جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان دارای تعارض زناشویی شرکت‌کننده، ساکن شهرستان نجف‌آباد و حومه در سال ۱۳۹۶ بود. جهت انتخاب نمونه‌ی موردنیاز پس از درج آگهی و فراخوان عمومی، آن دسته از زنانی که به فراخوان پاسخ دادند پس از مصاحبه تلفنی اولیه، برای مصاحبه حضوری دعوت شدند. سپس ۳۰ نفر انتخاب و بر اساس معیارهای ورود و خروج به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (۱۵ نفر در هر گروه) جایگزین شدند که از این تعداد ۳ نفر از گروه‌ها انصراف دادند و کار با ۱۲ نفر از هر گروه ادامه یافت که برای گروه‌درمانی مناسب است.

معیارهای ورود: دامنه سنی بین ۲۰ تا ۴۵ سال، مؤنث بودن و زندگی زناشویی حداقل ۲ سال در نظر گرفته شد. معیارهای خروج نیز شامل: ابتلا به هر بیماری روان‌شناختی بارز نظیر اختلال شخصیت، افسردگی اساسی، وسواس - بی‌اختیاری، دوقطبی و غیره بر اساس مصاحبه بالینی و ملاک‌های -DSM (5)، اشتغال به تحصیل در رشته‌های روانشناسی یا مشاوره، دریافت هم‌زمان یک مداخله روان‌شناختی دیگر، داشتن رابطه خویشاوندی یا دوستی با هریک از اعضای گروه مداخله، تصمیم یا اقدام به طلاق از شش ماه گذشته و همچنین زنان مطلقه یا جدانشده بود.

ابزار

اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از طریق ابزارهای زیر جمع‌آوری گردید:

1. Woszidlo, A. & Segrin
2. Sahin, Adana
3. Albert
4. Thomson, Centifanti

۱. **مقیاس تعارض زناشویی:** این پرسشنامه توسط جان بزرگی و آگاه هریس (زیر چاپ) طراحی شده است. پرسشنامه تعارض زناشویی ۱۰ سؤال دارد که بر اساس تحقیقات السون و همکاران (۲۰۱۱) تهیه شده است. آزمودنی به سؤالات این پرسشنامه با یک مقیاس پنج‌درجه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف پاسخ می‌دهد. ضرایب همسانی درونی کل پرسشنامه روی ۲۵۰ زوج ایرانی ۰/۷۲ به‌دست آمده است. روایی محتوای آن توسط ۵ متخصص در حوزه خانواده تأیید شده است. ضرایب همبستگی پیرسون برای نمره کل این پرسشنامه با نمره کل پرسشنامه رضامندی زناشویی ۰/۷۱، با نمره کل پویایی ارتباطی ۰/۵۵ به‌دست آمده است ($p < ۰/۰۰۱$). در این پژوهش نمره برش ۳۵ برای زنان دارای تعارض زناشویی در نظر گرفته شده است.

۲. **مقیاس سنجش کارکرد خانوادگی** بر اساس الگوی مک مستر، توسط اپستین، بالدوین و بیشاپ (۱۹۸۳) باهدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده طراحی گردید. نسخه اصلی این مقیاس دارای ۵۳ ماده و هفت خرده مقیاس است. مقیاس سنجش کارکرد خانواده بر اساس یک مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای (از ۱: کاملاً مخالفم تا ۴: کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. همچنین هرکدام از سؤالات که کارکرد نامطلوب خانواده را نشان می‌دهد به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. اپستین و همکاران (۱۹۸۳) ضریب همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ را بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. همچنین همبستگی تمامی خرده مقیاس‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌های عاطفی، درگیری عاطفی، کنترل رفتار و کارکرد کلی با یکدیگر بین ۰/۳۷ تا ۰/۷۶ به‌دست آمده است (اپستین و همکاران، ۱۹۸۳). در ایران برای اولین بار این مقیاس را نجاریان و همکاران (۱۳۷۴) بررسی کردند. وی با استفاده از روش تحلیل عوامل، سه خرده مقیاس نقش‌ها، حل مسئله و ابراز عواطف را شناسایی کرد. همچنین اخباراتی و بشردوست (۱۳۹۵) ضریب همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ را برای خرده مقیاس‌های حل مسئله، همراهی عاطفی و نقش‌ها به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۶۳، ۰/۶۸ به دست آوردند.

روش اجرا: شیوه مداخله

آموزش مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری: برنامه آموزش مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری با رویکرد حل مسئله و تصمیم‌گیری برای زنان دارای تعارض زناشویی طراحی شده است (فری، ۲۰۰۷، ترجمه جان بزرگی، ۱۳۸۹؛ نزو، نزو و لومباردو ۲۰۰۴). این برنامه طی ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای و به‌صورت هفتگی به آزمودنی‌های گروه آزمایش ارائه شد. در هر جلسه به استثنای جلسه اول، علاوه بر مرور بحث‌ها و تکالیف و همچنین پس‌خوراند اعضا در مورد جلسه قبل در پایان جلسه تکالیف خانگی ارائه می‌شد. جزئیات بیشتر در زمینه این برنامه در جدول زیر آمده است. جلسه ۱: اجرای مقیاس تعارض زناشویی، اجرای مقیاس کارکرد خانوادگی، تعریف کارکرد خانوادگی و مؤلفه‌های آن، معرفی اعضا به یکدیگر؛ جلسه ۲: تعریف مسئله و انواع مسئله؛ مسائل قابل حل و غیرقابل حل؛ جلسه ۳: مشخص کردن گام‌های حل

مسئله؛ جلسه ۴: قواعد تصریح مسئله و بارش فکری؛ جلسه ۵: قواعد انتخاب بهترین راه‌حل (تشکیل جدول معایب و مزایا برای هر راه‌حل)؛ جلسه ۶: ادامه قواعد انتخاب بهترین راه‌حل؛ جلسه ۷: به کار بستن راه‌حل و ارزشیابی آن؛ جلسه ۸: نحوه عیب‌یابی، به کارگیری راه‌حل و راه‌های جبرانی؛ جلسه ۹: تعریف تعارض و راه‌های حل تعارض بر اساس مراحل حل مسئله؛ جلسه ۱۰: مرور بحث‌ها و تکالیف جلسات قبل، اجرای مقیاس کارکرد خانوادگی.

یافته‌ها

در این پژوهش، در مجموع ۲۴ آزمودنی (۱۲ نفر در گروه آزمایش و ۱۲ نفر در گروه کنترل) با میانگین سنی ۳۲ سال و انحراف استاندارد سنی ۶/۰۹ شرکت کردند. دامنه‌ی سنی شرکت‌کنندگان از ۲۴ تا ۴۵ سال گسترده شده است.

همچنین میانگین و انحراف معیار مدت ازدواج کل شرکت‌کنندگان، ۱۰/۳۳ (۷/۶۸) است که در دامنه‌ای بین ۲ تا ۳۰ سال قرار گرفته‌اند در ضمن اینکه در گروه آزمایش، بیشترین تعداد، شامل ۵۸/۳ افراد دارای مدرک لیسانس و در گروه کنترل، بیشترین تعداد در مقطع دیپلم شامل ۴۱/۷ افراد، در این پژوهش شرکت کردند.

جدول ۱ - میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش و پس‌آزمون گروه‌ها در کارکرد خانوادگی و مؤلفه‌های آن

کنترل		آزمایش		کنترل		آزمایش		
میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
۴۴/۰۸	۸/۳۲	۴۲/۳۳	۸/۳۲	۴۴/۰۸	۸/۳۲	۴۲/۳۳	۸/۳۲	پس
۵۱	۵/۸۷	۵۰/۳۲	۹/۵۳	۵۱	۵/۸۷	۵۰/۳۲	۹/۵۳	پیش
۵۴/۸۳	۶/۵۲	۵۰/۴۱	۹/۷۲	۵۴/۸۳	۶/۵۲	۵۰/۴۱	۹/۷۲	پس
۴۶/۳۳	۷/۵۸	۴۷/۳۳	۹/۵۵	۴۶/۳۳	۷/۵۸	۴۷/۳۳	۹/۵۵	پیش
۴۹/۵	۵/۹۹	۴۶/۸۳	۸/۸۳	۴۹/۵	۵/۹۹	۴۶/۸۳	۸/۸۳	پس
۲۱/۹۱	۲/۶۴	۲۱/۲۵	۵/۹۵	۲۱/۹۱	۲/۶۴	۲۱/۲۵	۵/۹۵	پیش
۲۲/۶۶	۲/۶۷	۲۰/۷۵	۵/۱۵	۲۲/۶۶	۲/۶۷	۲۰/۷۵	۵/۱۵	پس
۱۱۹/۲۵	۱۴/۴۱	۱۱۹/۲۵	۱۴/۴۱	۱۱۹/۲۵	۱۴/۴۱	۱۱۹/۲۵	۱۴/۴۱	پیش
۱۲۷	۱۴/۰۴	۱۲۷	۱۴/۰۴	۱۲۷	۱۴/۰۴	۱۲۷	۱۴/۰۴	پس

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود میانگین مؤلفه‌های کارکرد خانوادگی در گروه آزمایش در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارائه شده است. برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون نتایج آزمون شاپیرو ویلک بررسی شد. نتایج غیر معنادار نشانگر نرمال بودن توزیع متغیرها بود ($P > 0/05$). بر اساس نتایج به دست آمده فرض نرمالیتی برای مؤلفه‌های کارکرد خانوادگی برقرار هست ($P > 0/05$) و آزمون‌های پارامتریک برای این متغیرها مشروط بر برقراری مفروضه‌های ضروری دیگر بلا مانع خواهند بود. جهت تعیین نوع آزمون ابتدا بررسی همگنی شیب رگرسیون جهت تحلیل کوواریانس انجام شد و بر اساس ($f = 45/1$, $p < 0/001$) این مفروضه برقرار نبود و برای برطرف کردن این تخطی از پیش‌فرض، از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری بر روی تفاضل پیش‌آزمون - پس‌آزمون متغیرها استفاده می‌شود.

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که بین دو گروه در متغیرهای مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($\text{Eta} = 0/25$, $F = 2/24$, $\text{pillais} = 0/75$). همچنین سطوح معناداری همه آزمون‌ها قابلیت استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری را مجاز می‌شمارد. این نتایج نشان می‌دهند که در دو گروه حداقل در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی‌دار وجود دارد. مجذور بتا (که در واقع مجذور ضریب همبستگی بین متغیرهای وابسته و عضویت گروهی است) نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه در متغیرهای مورد مطالعه معنادار هست و میزان این تفاوت ۰/۲۵ است، ۲۵ درصد واریانس مربوط به اختلاف بین دو گروه، ناشی از تأثیر متقابل متغیرها است.

جدول ۲- نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها از لحاظ نمرات تفاضل پیش‌آزمون - پس‌آزمون نمرات مؤلفه‌های کارکرد خانوادگی در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	ضریب اتا	توان مشاهده شده
گروه	نقش‌ها	۸۴/۳۷	۱	۸۴/۳۷	۵/۳۵	۰/۰۳	۰/۲	۰/۶۰
	حل مسئله	۸۰/۶۷	۱	۸۰/۶۷	۶۲/۱۰	۰/۰۲	۰/۲۲	۰/۶۶
	ابراز عواطف	۹/۳۷	۱	۹/۳۷	۱/۲۸	۰/۲۷	۰/۰۵	۰/۱۹
خطا	نقش‌ها	۳۴۶/۵۸	۲۲	۱۵/۷۵				
	حل مسئله	۲۹۰/۶۷	۲۲	۱۳/۲۱				
	ابراز عواطف	۱۶۱/۲۵	۲۲	۷/۳۳				

نتایج فوق نشان می‌دهند که آموزش حل مسئله در افزایش نقش‌ها ($p < 0/05$) و حل مسئله ($p < 0/05$) مؤثر بوده است ولی در افزایش ابراز احساسات تأثیر معنی‌داری نداشته است بنابراین فرضیه تأیید می‌شود. ۲ درصد از افزایش نقش‌ها و ۲۲ درصد از افزایش حل مسئله در گروه آزمایش، ناشی از مداخله بوده است.

جدول ۳- میانگین و انحراف استاندارد تعدیل‌شده
حدود اطمینان ۹۵ درصد

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین	حد بالا
نقش‌ها	کنترل	-۰/۰۸	۲/۲۸	-۲/۴۶	۲/۲۹
	آزمایش	-۳/۸۳	۲/۳۹	-۶/۲۱	-۱/۴۶
حل مسئله	کنترل	۰/۵	۲/۴۹	-۱/۶۸	۲/۶۸
	آزمایش	-۳/۱۷	۲/۱۷	-۵/۳۴	-۰/۹۹
ابراز عواطف	کنترل	۰/۵	۰/۷۸	-۱/۱۲	۲/۱۲
	آزمایش	-۰/۷۵	۰/۷۸	-۲/۳۷	۰/۸۷

با توجه به جدول ۳ و نتیجه تفاضل میانگین‌ها، مشاهده می‌شود که تفاضل میانگین تعدیل‌شده گروه‌های آزمایش و کنترل برای مؤلفه‌های نقش‌ها و حل مسئله معنی‌دار است یعنی آموزش حل مسئله با اطمینان ۹۵ درصد بر مؤلفه‌های نقش‌ها و حل مسئله در زنان دارای تعارض زناشویی تأثیر داشته است اما در مؤلفه ابراز عواطف تأثیر معناداری نداشته است.

جدول ۴- خلاصه نتایج آزمون t برای کارکرد خانوادگی

T	df	p	مجذور اتا
۲/۳۹	۲۲	۰/۰۳	۰/۲۰۶

در جدول ۴ نشان می‌دهد که آموزش حل مسئله بر افزایش کارکرد خانوادگی زنان دارای تعارض زناشویی تأثیر داشته است و ۲۰/۶ درصد از افزایش کارکرد خانوادگی ناشی از مداخله هست.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که کارکرد خانوادگی زنان دارای تعارض زناشویی، پس از انجام پژوهش بهبود یافته است و این بهبودی بر اساس محاسبات آماری معنی‌دار است، بنابراین فرضیه ما تأیید می‌گردد. این نتایج به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با پژوهش‌های ویسر و ویسر (۲۰۰۲)، فالوفیلد و همکاران (۲۰۰۴)، هانسون

و لندبلند (۲۰۰۸)، وسزیدلو و سگرین^۱ (۲۰۱۳)، ساهین و آدانا^۲ (۲۰۱۶)، آلبرت^۳ و همکاران (۲۰۱۶)، تامسون و سنتیفانتی^۴ (۲۰۱۸)، هم سو است، مندن هال و همکاران (۱۹۹۶)، در پژوهش خود نشان دادند، آموزش حل مسئله و بهبود مهارت‌های ارتباطی به زوجین قبل از ازدواج، باعث افزایش توان مدیریتی آنان در اداره مؤثر امور زندگی می‌شود. نتیجه پژوهش‌های موسوی زاده و همکاران (۱۳۹۱)، ابوالمعالی و همکاران (۱۳۹۲)، شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۹۳)، حسینی و حیات پور (۱۳۹۴)، نیز با نتایج این پژوهش هماهنگ است. کارگر و اصغری ابراهیم‌آباد (۱۳۹۴) نیز به این نتیجه رسیدند که استفاده از سبک‌های ناکارآمد حل مسئله در خانواده، زمینه اختلاف بین اعضا را فراهم می‌کند و بر این اساس سازگاری زناشویی نیز کاهش می‌یابد که در نتیجه برگزاری دوره‌های ویژه آموزشی مهارت حل مسئله و راهبردهای مقابله با موضوعات فشارزای زندگی برای والدین کودکان استثنایی، موجبات بهبودی روابط خانوادگی و زناشویی آن‌ها فراهم شد. همچنین شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۹۵)، کاکابرایی (۱۳۹۸) و خان محمدی مجندهی (۱۳۹۹)، در پژوهش‌های خود، آموزش مهارت حل مسئله را در بهبود سبک‌های فرزندپروری و کیفیت ارتباط‌های بین فردی درون خانواده و فرایندهای خانوادگی زوجین و فرزندان، مؤثر دیدند.

با توجه به پژوهش‌های متعدد ذکر شده که همگی تأثیر مثبت مهارت حل مسئله بر کارکرد خانوادگی را تأیید می‌کنند، ملاحظه می‌شود که مهارت حل مسئله با افزایش صمیمیت زوجین، بهبود ارتباطات خانوادگی، بالا بردن توان مدیریتی در خانواده، افزایش سازگاری و اصلاحات رفتاری زوجین، بهبود سبک فرزند پروری هر یک از زوجین و در نتیجه کاهش تعارضات و ناسازگاری‌های بین زوجین و کاهش درماندگی زوجین، می‌تواند کارکرد خانوادگی زوجین را بالا برده و کیفیت زندگی زناشویی را بهبود بخشد.

در تبیین این فرضیه و طبق آنچه مستند شد، فاکتورهای تأثیرگذار روی کارکرد خانوادگی عبارت از نقش‌ها و وظایف زوجین در خانواده، شیوه مواجهه با مسائل زندگی و حل آن‌ها و در نهایت نحوه ابراز عواطف و کنترل هیجانات هست که در صورت عدم برخورد مؤثر و روان‌شناختی هر یک از زوجین با آن منجر به اختلافات و تعارضات شدیدی بین آن‌ها می‌گردد. این موارد بخصوص در خانواده‌های ایرانی که در چند دهه اخیر با گسترش تکنولوژی و تغییر سبک زندگی و همچنین با توجه به افزایش سطح آگاهی و تعاملات افراد با مردم دیگر کشورها، شکل برجسته و پیچیده‌تری به خود گرفته است باعث جابجایی نقش‌ها و وظایف بین زوجین و همچنین عدم ابراز صحیح عواطف و احساسات شده است که نیاز به روش‌های خلاقانه در حل مسائل و تعارضات را بیش‌ازپیش می‌طلبد.

کسب مهارت‌های حل مسئله و ارتباطی در همسران، ضمن بهبود تعاملات و ارتباطات به‌طور کلی، به‌عنوان یک تکنیک شناختی-رفتاری، هم بر جنبه‌های شناختی و هم رفتاری تأکید دارد و در این

1. Woszidlo, A. & Segrin
2. Sahin, Adana
3. Albert
4. Thomson, Centifanti

آموزش با اصلاح دیدگاه‌ها و باورهای فرد در زمینه مسائل و مشکلات زناشویی موجب افزایش ارتباطات و بهبود نقش‌های زوجین شده و با تأکید بر رفتارها و تعاملات کارآمد و کاهش تعاملات منفی و رفتارهای آزاردهنده، سبب افزایش کارکرد خانوادگی همسران می‌شود.

در این پژوهش سعی بر آن بود که با آموزش مهارت حل مسئله بر روی زنان دارای تعارض زناشویی و ارزیابی کارکرد خانوادگی آن‌ها، راه‌های خلاقانه غلبه بر تعارضات و مشکلات توسط خود افراد با استفاده از بارش فکری و دیگر راهبردها کشف شود، افراد خود را دریابند، بر احساسات منفی‌شان غلبه کنند و به این نتیجه برسند که با اندکی تفکر و استفاده از روش‌های ابتکاری می‌توانند بر مشکلات و تعارضات زندگی‌شان فائق آیند. در واقع مهارت حل مسئله زنان و همسران شان را یاری می‌کند تا با ایجاد رفتارهای مثبت از قبیل انعطاف‌پذیری، درگیر شدن در یک فعالیت مشارکتی رضایت‌بخش و کاهش رفتارهای منفی از قبیل: سرزنش، کنایه و انتقاد، مشکل را به شکلی حل نمایند که هر دو طرف راضی بوده و احساس مثبتی درباره خود و رابطه داشته باشند

وقتی همسران با به‌کارگیری این روش در تعارضات بین فردی، خود را برنده- برنده محسوب می‌کنند می‌توان امیدوار بود که هر یک از زوجین با رغبت بیشتری به انجام نقش‌ها و وظایف خود بپردازد، تعارضات و مشکلات خود را به شیوه هوشمندانه‌تری حل کند، گفتگو و ابراز احساسات بهتری مبادله شود و در نتیجه این مهارت و بهره‌مندی از آن، کیفیت زندگی بهتری را شاهد باشیم. همچنین یادگیری این روش به زنان و همسرانشان به‌صورت عمل و عکس‌العمل کمک خواهد کرد که بتوانند قبل از پرداختن به حل مسائل، آن‌ها را اولویت‌بندی کرده و ابتدا مشکلات و مسائلی که تأثیر بیشتری بر روابطشان داشته را حل کنند. در ضمن اینکه به افراد کمک می‌کند تا به‌جای شیوه‌های مواجهه ناکارآمد از روش مشارکتی استفاده کنند.

همچنین ملاحظه شد که افراد با به‌کارگیری روش حل مسئله و با استفاده از بارش فکری به نتایج قابل توجهی می‌رسند که به‌طور عادی از کارایی آن بی‌خبر بودند، معمولاً در مواقع حساس و بروز تعارضات و اختلافات زناشویی، افراد دچار احساسات منفی شده و با ادامه این روند و به‌مرور زمان خشونت‌ها، اضطراب‌ها و افسردگی‌ها جای روابط عاشقانه و احساس کفایت همسران را می‌گیرند، با این روش احساس کفایت و تفکر در فرد بالا می‌رود، خود را بهتر باور می‌کند و بنابراین بر ضعف‌های شخصیتی راحت‌تر غلبه می‌کند. بازخورد افراد در جلسات آموزشی پس از چند جلسه تمرین نشان داد که این روش می‌تواند قبل از قضاوت و غلبه احساسات منفی، فرد را ملزم به تفکر کند، از آنجاکه کارکرد سیستم عصبی به این صورت است که معمولاً اولین فکری که به ذهن افراد می‌رسد ناشی از غلبه احساسات و پیشینه احساسی آن‌هاست، با این روش به افراد کمک می‌کنیم که نسبت به خود و تفکر خود به‌صورت آگاهانه بینش پیدا کنند، راه درست اندیشیدن برای غلبه بر مشکلات و تعارضات را خود بیابند و در مقاطع حساس زندگی تصمیمی قاطعانه مبتنی بر شناخت و تفکر درست داشته باشند.

بنابراین، همان‌گونه که پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند کارکرد خانوادگی با مهارت‌های زندگی و به‌خصوص حل مسئله ارتباط مستقیمی دارد و روش حل مسئله به زوجین کمک می‌کند تا توانایی خود را در حل مسائل زندگی، نقش‌ها و به‌خصوص مسائل احساسی و ارتباطی بهبود بخشند و خزانه مهارت‌های حل مسئله خود را افزایش دهند.

از محدودیت‌های این پژوهش، به‌احتمال سوگیری به علت آموزش خود پژوهشگر و همچنین فقدان شرایط انجام پیگیری می‌توان اشاره کرد ضمناً می‌توان به عدم وجود پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و ساختاری در مورد تعارضات زناشویی در ایران، اشاره کرد، پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی از دوره‌های پیگیری استفاده شود. ضمن اینکه انجام پژوهش‌هایی ساختاری و بین‌رشته‌ای مرتبط با موضوع تعارضات در آینده پیشنهاد می‌شود.

منابع

- ابراهیمی، مرضیه سادات؛ زارعی، سلمان؛ سلطانی نیا، شیوا. (۱۳۹۷). مقایسه حس انسجام و سبک‌های حل تعارض زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی. (۳۵): ۲۷-۴۲
- ابو المعالی، خدیجه. مجتبیایی، مینا. رحیمی، ندا (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایت از زندگی زناشویی بر اساس مهارت‌های حل مسئله اجتماعی و هوش معنوی در افراد متأهل. مجله علوم رفتاری، ۷(۲): ۷-۸
- احسان خواه هستی؛ حیدریان، معصومه. (۱۳۹۸). مقایسه‌ی اختلال ضعف روانی و شیوه‌های حل مسئله و نگرانی در بین پرستاران زن دارای اختلاف خانوادگی و عادی شهر کرمانشاه. مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری. ۴(۳۶): ۱۰۱-۱۲
- اخباراتی، فرزانه و بشردوست، سیمین (۱۳۹۵). پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس عملکرد خانواده و نیازهای بنیادی روان‌شناختی دانش‌آموزان. مجله اصول بهداشت روانی. ۱۸: ۳۷۹-۳۷۴
- اعتمادی، عذرا؛ جابری، سمیه؛ جزایری، رضوان السادات؛ احمدی، سید احمد (۱۳۹۳). بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان. ۵(۱۷): ۶۳-۷۴
- حسینی، محمدرضا؛ حیات پور، عبدالمهدی (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر بهبود کارکرد خانوادگی زنان نابارور شهر الشتر دومین اجلاس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی
- خان محمدی مجندهی رقیه (۱۳۹۹). رابطه انسجام خانواده و توانایی حل مسئله با نگرش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان دختر. رویش روان‌شناسی. ۹(۱): ۸۸-۸۱
- دلاور، علی (۱۳۹۵). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.

- رضایی فر، الهام؛ سپاه‌منصور، مژگان؛ کوچک‌انتظار، رویا؛ کوشکی، شیرین (۱۳۹۸). تدوین مدل ثبات رابطه زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیتی و استرس ادراک شده با میانجی‌گری سبک‌های حل مسئله. شناخت اجتماعی. ۱۵(۸): ۸۳-۱۰۶
- شکوهی یکتا، محسن، اکبری زردخانه سعید، پرنده اکرم (۱۳۹۳)، اثربخشی آموزش روش حل مسئله بر روابط خانوادگی و شغلی ۵(۲۰): ۵۹-۶۹
- شکوهی یکتا، محسن؛ اکبری زردخانه، سعید؛ پرنده، اکرم؛ محمودی، مریم؛ مشروطی، پریسا (۱۳۹۵) تأثیر آموزش حل مسئله به مادران بر فرایندهای خانوادگی و شیوه‌های فرزندپروری آن‌ها فصلنامه سلامت روانی کودک. ۳(۱)
- طیرانی نجاران، فرزانه. (۱۳۹۷). بررسی متغیرهای تأثیر گذار بر رضایت زناشویی. نشریه علمی رویش روان شناسی. ۷(۶): ۸۹-۱۰۰
- عبادت پور، بهناز؛ نوایی نژاد، شکوه؛ شفیع‌آبادی، عبدالله؛ فلسفی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲) نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی و دل‌زدگی زناشویی. ۴(۱۳): ۲۹-۴۵
- فری، مایکل (۲۰۰۷) شناخت درمانگری گروهی ترجمه مسعود جان بزرگی (۱۳۸۹). قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- کارگر، مونا؛ اصغری ابراهیم‌آباد، محمدجواد (۱۳۹۴) مقایسه سبک حل مسئله و سازگاری زناشویی در مادران کودک استثنایی و عادی تعلیم و تربیت استثنایی. ۱۵(۲): ۳۷-۴۴
- کاکابرابی، کیوان. (۱۳۹۸) تأثیر آموزش حل مسئله خانواده/ مدرسه محور بر سبک‌های حل مسئله دانش آموزان دوره ابتدایی. فصلنامه سلامت روان کودک. ۶(۱): ۱۴-۲۷
- محمودی، الناز؛ شادبافی، محمد؛ پاکروح، لیلا؛ وفادار، شادی. (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مبتنی بر آموزش حل مسئله بر نشانه‌های رفتاری برونی‌سازی شده. مجله مطالعات ناتوانی (علمی-پژوهشی) ۱۰: ۲۲-۲۲
- منصوریان، سید محمد کریم؛ فخرایی، سیروس (۱۳۸۷) تحلیل جامعه‌شناختی تعارضات همسران در خانواده‌های شهر شیراز، مجله علمی - پژوهشی تحقیقات زنان، ۲(۱): ۷۵-۱۱۳
- موسوی زاده، سیده آزاده؛ سهرابی، فرامرز؛ احدی، حسن (۱۳۹۱)، مقایسه اثربخشی آموزش ابراز وجود و مهارت‌های حل مسئله بر میزان رضایت زناشویی زنان دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان. ۱۰(۲): ۸۵-۱۰۷
- موسوی، سید ولی‌اله؛ قاسمی جوبنه، رضا؛ رضائی، سجاده؛ شیخلی، نگار. (۱۳۹۸). روان‌رنجوری و سبک‌های حل مسئله در زنان اقدام‌کننده به خودکشی شیمیایی. روانشناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار). ۱۶(۲): ۱۳۰-۱۲۳
- موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۶)، ابعاد کیفیت زناشویی: بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های مؤلفه‌های تعامل و شیوه‌های حل تعارض زناشویی. ۷(۱): ۸۱-۱۰۰

مهرابی زاده هنرمند، مهناز؛ حسین پور، محمد؛ مهدی زاده، لیلا. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی در افزایش سازگاری زناشویی زنان متأهل ۲۰-۴۰ سال. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری* ۳(۱): ۱۳۹-۱۲۵

مؤمنی، خدامراد؛ آزادی فرد، صدیقه (۱۳۹۵). رابطه دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی، دو فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، ۱(۲): ۳۴-۴۵
 نازک تبار، حسین؛ شربت اوغلی اصل، هایده (۱۳۹۸). مقایسه کارکرد خانواده، سلامت روان و عزت نفس در بین معتادان زن موفق و ناموفق ترک اعتیاد. پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، ۷(۲): ۱۹۲-۱۷۶

نجاریان، فرزانه (۱۳۷۴). عوامل مؤثر بر کارایی خانواده: بررسی روان‌سنجی مقیاس سنجش خانواده (FAD-I). پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
 نظری، فرحناز؛ اعتمادی، عذرا؛ عابدی، احمد (۱۳۹۸). اثربخشی غنی‌سازی روابط زوجین به شیوه اولسون بر صمیمیت زناشویی زوجین. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۷(۳): ۴۴۸-۴۵۶
 ورمقانی، پری؛ علیپور، فردین؛ قائد امینی هارونی، غلامرضا؛ جوادی، محمدحسین (۱۳۹۸). اثربخشی مداخله مددکاری اجتماعی گروهی با رویکرد حل مسئله بر کاهش افکار خودکشی زنان در شهرستان قروه. *فصلنامه علمی پژوهشی توانبخشی*، ۲۰(۳): ۲۹۷-۲۸۶.

Albert, S. M. King, J. Dew, M. A. Begley, A. Anderson, S. Karp, J. ... Reynolds, C. F. (2016). Design and Recruitment for a Randomized Controlled Trial of Problem Solving Therapy to Prevent Depression among Older Adults with Need for Supportive Services. *The American Journal of Geriatric Psychiatry: Official Journal of the American Association for Geriatric Psychiatry*, 24(1), 94-102. <https://doi.org/10.1016/j.jagp.2015.11.003>

Birditt, K. S. Brown, E. Orbuch, T. L. & McIlvane, J. M. (2010). Marital Conflict Behaviors and Implications for Divorce over 16 Years. *Journal of Marriage and the Family*, 72(5), 1188-1204.

Blodgett, E. H. Schaefer, M. K. & Haugen, E. C. (2013). Connections between marital conflict and adolescent girls' disordered eating: parent-adolescent relationship quality as a mediator. *Journal of Child & Family Studies*, 22(4), 1-11.

Bobot, L. (2011). Functional and dysfunctional conflicts in retailer-supplier relationships. *International Journal of Retail & Distribution Management*, 39(1), 25–50.

D zurilla, T.J. sheedy, C.F, Relation between social problem solving ability and subsequent level psychological stress in college students, *Cognitue therapy psycgology*, 1992: 61 (5), 841-846.

Dildar, S. Aisha, S. & Sumaira, Y. (2013). Intimate Enemies: Marital Conflicts and Conflict Resolution Styles in Dissatisfied Married Couples. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 15 (10): 1433-1439.

Epstein, N. B. Baldwin, L. M. and Bishop, D. S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Family and Marital Therapy*, 9: 171–180.

Fallowfield, L; Lipkin, M & Hall, A, (2004). Teaching senior oncologist life skills: result from phasel of acomprehensive long itudinal program in the United Kingdow. *Journal of clinical oncology*, 135-157.

George, B. Erikson, T. & Parhankangas, A. (2016). Preventing dysfunctional conflict: examining the relationship between different types of managerial conflict in venture capital-backed firms. *Venture Capital*, 18(4), 279–296. <https://doi.org/10.1080/13691066.2016.1224457>

Giddens A, Duneier M, Appelbaum R. Carr D. *Introduction to sociology*. 8th ed. New York: Norton Co. 2012;253-5

Hansson,K &Landbland,A, (2008). Couple therapy:Effectiveness of treatment and long term follow up. *Journal of family therapy*,28,136-152.

Layder.D. (2009). *Intimacy and Power The Dynamics of Personal Relationships in modern society*. Houndmills and New York: Palgrave Macmallin.

Lee, J. & Chee, I.S. (2016). PS241. Problem solving style, stress, anxiety and depression. *International Journal of Neuropsychopharmacology*, 19(Suppl 1), 88. <https://doi.org/10.1093/ijnp/pyw043.241>

Lucas-Thompson, R. G. (2012). Associations of marital conflict with emotional and physiological stress: evidence for different patterns of dysregulation. *Journal of Research on Adolescence*, 22(4), 704-721.

McCoy, K. Cummings, E. M. & Davies, P. (2009). Constructive and destructive marital conflict, emotional security and children's prosocial behavior. *Journal of Child Psychology & Psychiatry*, 50(3), 270-279.

Mendenhall, T. J. Grotevant, H. D. McRoy, R. G. (1996). Adoptive couples: Communication and changes made in openness levels. *Family Relations*, 45, 223-229.

Nezu, A. M. Nezu, C. M. & Lombardo, E. (2004). *Cognitive-behavioral case formulation and treatment design a problem-solving approach*. New York: Springer Publishing Company, Inc

Oh, K. J. Lee, S&,Park, S. H. (2011). The Effects of Marital Conflict on Korean Children's-Appraisal of Conflict and Psychological Adjustment. *Journal of Child and Family Studies*,20(4), 444-451.

Opalach, C. Romaszko, J. Jaracz, M. Kuchta, R. Borkowska, A. & Buciński, A. (2016). Coping Styles and Alcohol Dependence among Homeless People. *PLOS ONE*, 11(9), e0162381.

Pfajfar, G. Shoham, A. Makovec Brenčič, M. Koufopoulos, D. Katsikeas, C. S. & Mitreęa, M. (2017). Power source drivers and performance outcomes of functional and dysfunctional conflict in exporter–importer relationships. *Industrial Marketing Management*.
<https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2017.03.005>

Razavi,D &Delvaux, N. (2006). Can Life Skills be Thought? *British Journal of Hospital Medicine*. 43:215-217.

Riggio, H. R. & Valenzuela, A. M. (2011). Parental marital conflict and divorce, parent–child relationships, and social support among Latino American young adults. *Personal Relationships*, 18(3), 392-409.

Sahin, U. & Adana, F. (2016). Problem solving, loneliness, depression levels and associated factors in high school adolescents. *Pakistan Journal of Medical Sciences*, 32(5), 1273–1278.

Somohano, V. C. (2013). *Mindfulness, attachment style and conflict resolution behaviors in romantic relationships*. (MA). Humboldt State University

Strong, B. Devault, C. & Cohen, T. F. (2011). *The Marriage and Family Experience: Intimate Relationships in a Changing Society* (11 ed). USA: Wadsworth general learning

Thomson, N. D. & Centifanti, L. C. M. (2018). Proactive and Reactive Aggression Subgroups in Typically Developing Children: The Role of Executive Functioning, Psychophysiology, and Psychopathy. *Child Psychiatry and Human Development*, 49(2), 197–208.

Visser, L & Visser, Y, (2002). Life skills. *The journal of guidance*, 32, 416-429.

Woszidlo, A. & Segrin, C. (2013). Direct and Indirect Effects of Newlywed Couples' Neuroticism and Stressful Events on Marital Satisfaction Through Mutual Problem Solving. *Marriage & Family Review*, 49(6), 520-545.

Zhang, A. Park, S. Sullivan, J. E. & Jing, S. (2018). The Effectiveness of Problem-Solving Therapy for Primary Care Patients' Depressive and/or Anxiety Disorders: A Systematic Review and Meta-Analysis. *Journal of the American Board of Family Medicine: JABFM*, 31(1), 139–150.

Zhylyevskyy, O. (2012). Spousal Conflict and Divorce. *Journal of Labor Economics*, 30(4), 915-961.

The effectiveness of Problem solving and decision making skills on family function of women with marital conflict

Somayeh Abolghasemi
Abbas Abolghasemi

Abstract

appropriate family function is associated with psychological health. So improvement of this ability could be an effective way to have optimal life. Then in this way, the main objective of this research was to examine the effectiveness of Problem solving and decision making skills on family function of women with marital conflict. So We employed a semi-experimental method by a pretest and posttest design with experimental and control groups. The Statistical population consisted of all women with marital conflict of Najafabad city. By using convenience sampling method, 24 women with marital conflict were selected and randomly were divided in two experimental and control groups (n=12). The tools of this study were the Family Assessment Device (Macmaster, 1993) and marital conflict questionnaire. The experimental group received 10 sessions of intervention. The Participants of both groups responded to questionnaires, before training, and the end of training. The results of Multivariate Analysis of Covariance showed that the PDS is significantly effective on improving family function of women with marital conflict of the experimental group compared to the control group ($P < 0.001$). It was concluded that Problem solving and decision making skills training could be used as a effective method for family function in women with marital conflict

Keywords: Problem solving and decision making training, family function, marital conflict.

